منطق الطیر

شفیعی کدکنی، محمد رضا

فرید رفاعی،تعلیقات معجم الادبا،استاد احمد زکّی مصری،تعلیقات‏ الاغانی،استاد احمد نسیم مصری،تعلیقات دیوان مهیار دیلمی،استاد محمد محمود رافعی،شرح الهاشمیات،حافظ،ناصر السنة حضرمی، تشنیف الاذان،دکتر عمر فروخ،حکیم المعمرة6

همان‏طور که پیش از این اشاره شد،حدیث غدیر در کتب مورخان‏ تا یکصد و بیست و پنج طریق دارد که از میان آن راویان،اسامی‏ اشخاص زیر را همگی از مشاهیر صحابه‏ی پیامبر اسلامند،نمونه‏ می‏آوریم:

1-ابو بکر بن ابی قحافه،2-عمر بن الخطاب،3-عثمان بن‏ عفان،4-طلحة بن عبد الله تمیمی،5-زبیر بن عوام،6-عباس بن‏ عبد المطلب،7-اسامة بن زید بن حارثه،8-انس بن مالک،9-جابر بن‏ عبد اللّه انصاری،10-سعد بن ابی وقاص،11-عبد الرحمن بن عوف، 12-حسان بن ثابت،13-سعد بن عباده،14-ابو ایوب الانصاری،15- عبد اللّه بن مسعود،16-سلمان فارسی،17-ابو ذر غفاری،18-عمار یاسر،19-مقداد بن اسود،20-سمرة بن جندب،21-سهل بن حنیف، 22-ابی بن کعب،23-امیر المومنین،علی،و از بانوان:24-اسما بنت‏ عمیس،25-ام سلمه،همسر پیامبر،26-عایشه،دختر ابو بکر،27- ام هانی،بنت ابی طالب،28-صدیقه‏ی طاهره،فاطمه زهرا،دختر رسول خدا(ص).7

حال که واقعه‏ی غدیر و پیام آن روز،از مهم‏ترین وقایع تاریخ‏ اسلام است و اکنون که بیش از یکصد میلیون مسلمانان،در جهان، براساس فرمان حق و بر طبق وصیت لازم الاطاعه‏ی پیامبر خود اسلام و معارف و احکام دینی را از ناحیه‏ی نورانی علی،امیر المومنین‏ و ائمه‏ی طاهرین،صلوات اللّه علیهم اجمعین،تلقی می‏کنند.دریغ‏ است که بسیاری از این پیروان راستین اسلام و تشیع از خطابه‏ی غرا و پیام انسان‏ساز پیامبر خود،در روز غدیر،به قدر شایسته آگاه نباشند و یا به سبب ناآشنایی با زبان تازی،از درک و استفاده از آن محروم بمانند و به همین جهت،ترجمه‏ی پارسی آن گرامی گفتار،بر طبق متن‏ مروری در کتاب ارجمند،احتجاج طبرسی،دانشمند و محقق‏ عظیم الشان قرن ششم هجری‏8که از مصادر معتبر کتب روایت است، به عمل آمد؛هرچند که مر آن مایه نبود که بتوانم آن بلاغت و جاذبه‏ را که در آن متن شریف است در ترجمه،تأمین نمایم ولی:

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

در پاین،ناگفته نماند که مرا در این کار،منظور همان بود که گفته‏ آمد و گرنه،در سر نه هوای رهنمودی به گمشده‏یی داشته‏ام که«لیس‏ علیک هداهم و لکن اللّه یهدی من یشاء...»و نه در دل،اندیشه‏ی‏ احقاق حقی نسبت به آن مظلوم تاریخ و آن ولی مطلق؛که با همه‏ خردی و بی‏خردی،این قدر دانم که نه حق را به کار چون منی نیاز است و نه کوشش این بی‏دست‏وپا را قدری و منزلتی؛تنها به همین‏ شادم که گردی در پی این کاروان باشم که به«او»سوگند،مرا همین‏ افتخار،سرشار می‏دارد.

پی‏نوشت‏ها

(1)-با اقتباس جمله‏هایی از کتاب حماسه‏ی غدیر،تألیف محمد رضا حکیمی.

(2)-الغدیر،ج اول،الکلمات حول سند الحدیث.

(3)-تهذیب النبوة،ج 7،ص‏ 337.

(4)-نجاشی،ص 161.

(5)-الغدیر،ج اول،ص 152-158.

(6)-الغدیر،ج اول، ص 147-151.

(7)-الغدیر،ج اول،ص 5-23.

(8)-ابو منصور،احمد بن علی‏ بن ابیطالب الطبرسی.

به هیچ خنجر

این ریسمان نمی‏گسلد

صدا می‏آید

یک ریز

روز و شب از باغ:

«-چیُو چیُو،

چَ چَ،

چَه چَه،

چیُو چیُو

چَه چَه»

زلال زمزمه

جاری‏ست زان سوی دیوار.

جلال می‏پرسد:

«این مرغ را گلو هرگز،

ز کارِ خواندن و

خواندن نمی‏شود خسته،

که با نوایش در هُرِم روز و

سایه‏ی شب،

نگاه می‏دارد این باغ و

بیشه را بیدار؟»

«ببین که»

-می‏گویم:-

«این سِحرِ عاشق است و سَحَر»

یکی نرفته هنوز،

آن دگر کند آغاز؛

صدا یکی‏ست

ولیکن پرندگان بسیار».